

Doc_Number: EU0000011

صفحه اصلی جستجو آرشیو تماس با ما درباره ما تبلیغات پیوند ها RSS

متن کامل کیفرخواست مدعی العموم علیه متهمین ناآرامیهای اخیر

ناریخ انتشار: ۱۴:۵۴ ۱۳۸۸/۵/۱۰	کد خبر: 8094	منبع:	نسخه جابی	 

معاون دادستان عمومی و انقلاب تهران امروز شنبه با قرائت متن کیفرخواست در دادگاه متهمین آشوبهای تهران که در میان آنان شماری از چهره‌های مطرح اصلاح طلب حضور دارند، گفت که طبق مستندات بدست آمده و اعترافات مستدل متهمین، حوادث و آشوب‌های اخیر از پیش طراحی شده و طبق جدول زمانبندی و مراحل کودتای مخملی پیش رفته است.

به گزارش خبرگزاری فارس، متن کیفرخواست محبتهی معاون دادستان عمومی و انقلاب تهران به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

متن ادعانامه دادستانی تهران علیه متهمین پروژه شکست خورده کودتای مخملی

وَإِذَا أَدَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (یونس 21)

(ما هرگاه بر آدمی بعد از آنکه او را رنج و زبانی رسید، رحمت می‌فرستیم، در این صورت برای محو آیات و رسولان حق مکر و سیاست به کار برند. بگو مکر و سیاست الهی کامل تر و سریع تر است که رسولان ما مکرهای شما را خواهند نوشت.)

ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی تهران
سلام علیکم

همچنانکه استحضار دارید، رهبر حکیم و فرزانه انقلاب با درایت امام گونه خود فرمودند ملت آگاه ایران اسلامی با حضور کم نظیر خود در پای صندوق‌های رای در انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری حماسه‌ای خیره کننده و بی‌همتا آفریدند که در آن رشد سیاسی و چهره مصمم انقلابی و توان و ظرفیت مدنی ملت ایران در نمایشی زیبا و پرشکوه در برابر چشم جهانیان به نمایش درآمد.

مقام معظم رهبری (دام عزه العالی)، در تبیین اهمیت نقش آفرینی مردم بیدار کشورمان در ادامه پیام مهم خود تصریح فرمودند: "اقتدار و عزتی که مردم عزیز با آرامش و متانت و کمال خود، در تاریخ کشور به ثبت رساندند و اراده‌ی خلل ناپذیری که در میان آتشبار جنگ روانی دشمنان یا حضور در این عرصه تعیین کننده نشان دادند، از چنان اهمیتی برخوردار است که با هیچ بیان معمول و متعارفی نمی‌توان آن را توصیف کرد. تنها می‌توان گفت که ملت ایران توانسته است همچنان موجبات رحمت الهی را در خود حفظ کند و دست قدرت خداوند را در حمایت از پیشرفت و تعالی کشور بالای سر خود نگاه دارد."

هر انسان منصفی به راحتی می‌تواند دست آوردهای بزرگ این حماسه سترگ را در عرصه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در سطح داخلی و بین المللی مشاهده نماید.

اولاً این انتخابات به نمایش غرور انگیز مردمسالاری حقیقی تبدیل شد و برای جهانیان این پیام را در بر داشت که جمهوری اسلامی ایران یکی از امن ترین و با ثبات ترین کشورهای جهان برای سرمایه گذاری و پیشبرد طرح‌های اقتصادی است.

ثانیاً؛ در عرصه روابط بین الملل این پشتوانه عظیم ملی قدرت چانه زنی و استیفای حقوق حقه مردم ولایتمدار ایران اسلامی را در سطح عالی افزایش داده و موفقیت کشورمان را در منطقه و جهان ارتقاء بخشید بگونه‌ای که زبان مدعیان دروغین آزادی، دموکراسی و حقوق بشر را کوتاه نمود. بنابر این دولتمردان و متولیان دیپلماسی ایران در جهان می‌توانند بعد از این در معادلات منطقه‌ای و جهانی و تعاملات فیما بین با کشورهای جهان با قاطعیتی افزون و مبتنی بر حکمت، عزت و مصلحت بهتر از هر زمان ایفای نقش نمایند.

ثالثاً؛ تأثیر عمیق این حضور آگاهانه در نوع نگاه مردم جهان بویژه نخبگان به فرهنگ غنی مردم ایران و شعور سیاسی آنها که برخاسته از باورهای اسلامی و انقلابی است، بیش از پیش افکار عمومی ملت‌ها را متوجه کار آمدی الگوی مردمسالاری دینی نمود.

رابعاً؛ از آنجائی که پشتوانه مردمی یکی از مهمترین مؤلفه‌های امنیت ملی نظام مقدس جمهوری اسلامی به حساب می‌آید، بدون شك مشارکت 85 درصدی مردم نقش بی بدیلی در تثبیت پایه‌های امنیت ملی داشته و دولت بر آمده از این

اکثریت پرشور وشعور در عرصه داخلی، منطقه‌ای وجهانی، مقتدرتر از گذشته ظاهر شده واین افتدار بمثابة سرمایه عظیم ملی در حل مشکلات داخلی وخارجی وارتقاء وپیشرفت روز افزون کشور اسلامی عزیزمان تجلی خواهد یافت.

اما همانگونه که رهبر معظم انقلاب در پیام خود به مردم مخصوصاً جوانان هشدار داده بودند که مراقب وهشیار باشند چرا که ممکن است " دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدايند " دشمن سرخورده ومایوس فوراً دست به کار شد ویا بسیج عوامل تبلیغی، سیاسی ومیدانی خود زنجیره‌ای از اغتشاشات وآشوبها را در تهران بوجود آوردکه در اثر آن هموطنان عزیز خسارات جانی، مالی وروانی عديده‌ای رامتحمل شدند.طبق مستندات به دست آمده واعترافات مستدل متهمین، وقوع این حوادث کاملاً از پیش طراحی شده وطبق جدول زمانبندی ومراحل کودتای مخملی پیش رفته است، به گونه‌ای که بیش از 100 مورد از 198 مورد دستورالعملهای "جین شارپ" برای کودتای مخملی اجرا گردیده است.

ریاست محترم دادگاه

با توجه به اینکه سلسله حوادث اخیر به درستی در چارچوب تئوری‌های کودتای مخملی ارزیابی می‌گردد، از محضر عالی اجازه می‌خواهد بسیار مختصر در مورد این شیوه پیچیده و نوین براندازی نکاتی به استحضار برساند. اما پیش از آن به فرازی از فرمایشات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نمازجمعه تاریخی 29 خرداد اشاره می‌گردد، که مؤید این مدعی است.

معظم له چنین می‌فرماید: " در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد، خط تخریب، خط آتش سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب وکار مردم را نا امن کنند، شیشه‌های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه‌ها را غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان ومالشان سلب کنند، امنیت مردم مورد تظاول اینها قرار گرفت، این ربطی به مردم وطرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست نشاندگان سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است، این کاری که در داخل ناشیانه از بعضی سرزرد اینها را به طمع انداخت.

خیال کردند ایران هم گرجستان است! يك سرمایه‌دار صهیونیست آمریکایی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه‌ها ودر بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم در گرجستان و انقلاب مخملی راه‌انداختم، حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم، احمق‌ها خیال می‌کردند جمهوری اسلامی ایران واین ملت عظیم هم مثل آنجاست".

پس از فرمایشات رهبر عزیزمان توجه دادگاه محترم را به ادامه کیفر خواست جلب می‌نمایم.

واما کودتای مخملی نوعی از انواع بر اندازی است که با کودتای نظامی در هدف مشترك اما در شیوه و ابزار کاملاً متفاوت است.

در همین رابطه آقای "رابرت هُلوی" افسر بازنشسته سازمان سیا و شاگرد دکتر "جین شارپ" در کتاب خود با عنوان "مبارزه عاری از خشونت، تأملی در بنیادها" می‌نویسد: "مبارزه عاری از خشونت (یعنی همان کودتای مخملی) تفاوت خاصی با درگیری نظامی ندارد جز در این مورد که اسلحه بکار رفته در آن متفاوت ومنحصر به این روش می‌باشد"

یکی دیگر از تفاوت‌های کودتای مخملی با کودتای نظامی در فرایند شکل‌گیری از آغاز تا پایان ومدت طولانی آن است که گاهی ممکن است ده سال یا بیشتر به طول انجامد.

مهمترین نکته‌ای که در مورد کودتای مخملی باید به آن توجه داشت این است که نظریه پردازان اجیر شده توسط سرویسهای جاسوسی واطلاعاتی غرب طبق سفارش کار فرمایان خود این شیوه را برای خروج جهان استکبار از بن بست عملی برای سرنگونی نظامهای مستقل یا ناهماهنگ با هژمونی و استیلاطلبی غرب ابداع نمودند که نتیجه سالها مطالعه وتحقیق میدانی در کشورهای مختلف کودتاخیز بوده است. این شیوه بر اندازی بگونه‌ای طراحی شده است که با تمسک به روشهای به اصطلاح مدنی وطبی مدت زمان طولانی بدون آنکه در بین مردم ونظامهای سیاسی کشورهای هدف حساسیتی جدی ایجاد کند یکی پس از دیگری مراحل کودتای مخملی را بصورت خزنده وآرام پشت سر گذاشته ومعمولاً نظامهای سیاسی زمانی به خود می‌آیند که کودتای مخملی به مرحله پایانی خود رسیده و احتمال موفقیت آن بسیار افزایش یافته است.

از سال‌های پیش بنیادها و مؤسسات متعددی توسط سرویسهای جاسوسی و دیگر نهادهای حکومتی کشورهای غربی بویژه آمریکا بوجود آمده که طبق يك تقسیم کار سازمانی ومتمرکز مأموریت‌های مختلفی را با هدف مشترك در اجرای پروژه کودتای مخملی بعهد گرفته‌اند.مهمترین این مؤسسات وبنیادها عبارتند از بنیاد سوروس(OSI)، بنیاد راکي فیلر، بنیاد فورد، بنیاد جرمن مارشال فابند، خانه آزادی، شورای روابطخارجی آمریکا، انجمن سیاست خارجی آلمان ومركز مطالعات دموکراسی انگلیس.

در تبیین بیشتر این موضوع لازم است به اظهارات يك جاسوس که هم اکنون در بازداشت به سر می‌برد و با هدف ایفای نقش درانتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری به ایران بازگشته بود، اشاره شود.

وي می‌گوید: "در سفری که به اسرائیل داشتم با موسسه‌ای به نام میمری آشنا شدم که متعلق به کشور آمریکااست ولي در اسرائیل مستقر می‌باشد و کارش در زمینه مطالعات رسانه‌ای خاورمیانه است. تلاش این موسسه مبارزه با فعالیت‌های

ضد اسرائیلی است که در دیگر کشورها صورت می‌گیرد. این موسسه پروژه‌های را دنبال می‌کند که هدف آن حمایت از اصلاح طلبان دنیای اسلام از جمله ایران است. مسئول این پروژه یکی از افسران قدیمی اطلاعات ارتش اسرائیل است که من با او دیداری داشتم. او در این دیدار به من گفت هدف ما این است که تفکراتی مانند تفکرات عبدالکریم سروش را در ایران پرورش و ترویج دهیم."

این جاسوس ادامه می‌دهد: "یکی دیگر از موسسات فعال در حوزه ایران موسسه هلندی هیفوس است که من ملاقات‌هایی هم با مسئولین این موسسه داشتم. این موسسه ارتباط خوبی با موسسات و NGOهای داخل ایران دارد و حتی مبلغ ده میلیون یورو در پایان ریاست جمهوری خاتمی در ایران هزینه کرده که بیشتر آن به جنبش زنان داده شده است. موسسه هیفوس بودجه خود را از طریق رشوه از شرکت‌های نفتی هلندی که می‌خواهند از پرداخت مالیات فرار کنند. به دست می‌آورد."

نامبرده در مورد نقش پایگاه رادیویی اروپای آزاد می‌گوید: "پایگاه رادیویی اروپای آزاد که مانند خیلی از موسسات براندازی نرم از زمان جنگ سرد کار خود را آغاز کرده و به سازمان سیا متصل است. زمان جنگ سرد آمریکایی‌ها برای اینکه به شوروی فشار بیاورند از پوشش‌های فرهنگی-سیاسی و رسانه‌ای و با نام‌های زیبایی همچون دموکراسی، آزادی و حقوق بشر استفاده کردند و خیلی از موسساتی که در حال حاضر فعالیت می‌کنند، در زمینه براندازی نرم، بازمانده از آن زمان هستند که رادیو اروپای آزاد هم از این دسته است. بخش فارسی این رادیو به نام رادیو فردا فعالیت می‌کند. این رادیو بیشتر اعتراضاتی که در ایران رخ می‌دهد را پوشش می‌دهد و به شدت بزرگنمایی می‌کند."

این جاسوس در ادامه به یکی دیگر از موسسات براندازی نرم به نام "برکمن" اشاره می‌کند و می‌گوید: "پروژه گلوبال ویسز یا همان صداهای جهانی زیر نظر مجموعه‌ای به نام مرکز برکمن در دانشگاه هاروارد انجام می‌گیرد. این پروژه از سال 2004 آغاز شده و من در اولین جلسه آن در هاروارد شرکت کرده ام. هدف این پروژه تمرکز بر تمام بلاگرهای دنیا به خصوص کشورهای مخالف آمریکا از جمله ایران است تا بتوانند به هدف خود که ایجاد جنگ روانی در این کشورها است برسند."

منابع مالی این پروژه را بنیاد سوروس (OSI) تأمین می‌کند که به اکثر موسسات غیردولتی در دنیا کمک مالی می‌دهد. مدیر این پروژه فردی به نام "اتان زوکرمَن" است. او یک آمریکایی است که قبلاً در بنیاد سوروس فعالیت داشته، او بر روی استفاده از اینترنت برای براندازی نرم در کشورهای مختلف خیلی کار کرده و با نهادهای اطلاعاتی امنیتی آمریکا نیز رابطه دارد."

وی چنین ادامه می‌دهد: "مرکز برکمن توسط شخصی به نام "جان پالوِری" اداره می‌شود که خودش مدعی بود دایی او کریمت روزولت کودتای 28 مرداد را مدیریت کرده است."

نامبرده در اشاره به نقش آمریکا در طرح براندازی نرم می‌افزاید: "آمریکا برای طرح براندازی نرم از تئوریسین‌های مختلف از جمله "جین شارب" که 50 سال از عمر خود را در موسسه اش صرف کرده تا طرح استفاده از نقاط ضعف حکومت‌ها برای براندازی نرم را شناسایی کند، استفاده می‌کند. در وب سایت این موسسه متون و روش مبارزه مسالمت آمیز شاید به 20 الی 30 زبان زنده دنیا آموزش داده شده است. البته این زبانها آلمانی، فرانسوی و یا اسپانیایی نیست بلکه به زبانهای برمه ای، چینی، عربی، فارسی و ... است که آمریکا دوست دارد در کشورهایی که به این زبانها گویش دارند انقلاب نرم صورت بگیرد."

افراد دیگری مانند "مارک پالمر" رئیس موسسه "گنوس" نیز در مورد ایران خیلی تحقیق کرده‌اند. آنها حتی 2-3 سال پیش کلاس‌هایی را تشکیل دادند و یکسری از فعالان 2 خرداد می‌مانند عماد باقی را دعوت کرده و دوره‌های براندازی نرم را به آنها آموزش دادند."

ریاست محترم دادگاه

تا کنون پروژه کودتای مخملی در چند کشور به مورد اجرا گذارده شده که اکثراً با موفقیت انجام شده اما در مواردی هم ناکام مانده است. از جمله کشورهایی که کودتای مخملی در آنها با موفقیت اجرا شده عبارت است از گرجستان، لهستان، چک، کرواسی، صربستان، اوکراین و قرقیزستان، در اکثر این کشورها کودتای مخملی در بستر یک انتخابات شکل گرفته و مشابهت‌های فراوانی با پروژه شکست خورده کودتای مخملی ایران که به بهانه انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری مرحله پایانی آن کلید خورد داشته‌اند البته این توطئه با هوشیاری مردم بیدار و همیشه در صحنه و برخورد قاطع و به موقع دستگاه‌های انتظامی و امنیتی مقتدر کشورمان سرکوب گردید.

جاسوس بازداشت شده در پاسخ این سؤال که آمریکا برای براندازی نرم در ایران از چه مدلی استفاده کرده گفت: "این مدل مبتنی بر انتخابات است و زمان آغاز آن حداقل 2 سال قبل از برگزاری یک انتخابات شروع می‌شود. آنها ابتداء شروع به برنامه ریزی کرده و نامزد مورد نظر خودشان را انتخاب می‌کنند بطور نمونه آقای ساکاشویلی- رئیس جمهور فعلی گرجستان - کسی نیست که یک شبه در دنیای سیاست سبز شده باشد این فرد بورسیه "فول برایت" متعلق به وزارت خارجه آمریکا است. او سالها در این کشور تحصیل کرده و برای این روزها تربیت شده است. پس از تعیین نامزد مورد نظر به شدت روی او سرمایه گذاری اجتماعی می‌کنند. به این صورت که افراد طرفدار آن نامزد به آموزش مردم به صورت شبکه‌ای - مدل تجاری، گلدکوئستی - می‌پردازند که روش ثابت برای یارگیری در کمپین هاست. بعد از این مرحله سمبل و نماد گرافیکی و رنگی برای این نامزد انتخاب می‌کنند و شروع به آماده سازی افکار عمومی جهت رأی دادن به نامزدشان می‌کنند. از طرف دیگر قبل از انتخابات خودشان را آماده می‌کنند تا اگر انتخابات را واگذار کردند شروع به تشکیک در انتخابات کنند و اعلام

نمایند که تقلب صورت گرفته است واصل مشروعیت حاکمیت را زیر سؤال می‌برند و شروع به اعتصاب می‌کنند و در نهایت انتخابات را ابطال کرده ویا مجدد با نظارت ناظران خارجی انتخابات را برگزار می‌کنند که در نهایت نامزد مورد نظرشان پیروز می‌شود."

نامبرده ادامه می‌دهد: "این فرایند در کشورهای گرجستان، صربستان، اوکراین و کرواسی انجام شده و به نتیجه هم رسیده است. نکته قابل توجه اینکه همان متون آموزشی که در صربستان مورد استفاده قرار گرفته به فارسی ترجمه شده و با تغییرات کمی در ایران مورد استفاده قرار گرفته است. این موارد بستگی به آداب و رسوم، فرهنگ و مذهب جامعه دارد. مهمترین عوامل اجرایی این انقلاب جوانان هستند که سرمایه گذاری خوبی بر روی آنها صورت می‌گیرد. بر روی انرژی جوانان حساب می‌شود. زیرا آنان تنها افرادی هستند که 2 تا 3 ماه از زندگی خود را بدون پول، وقف انتخابات می‌کنند."

وی چنین می‌افزاید: "کودتای مخملی ایران خیلی شبیه انقلاب مخملی صربستان است، در آن کشور گروهی بنام "اوت پور" "OUTPOR" که گروهی دانشجوی بودند ابتداء شروع به عضو گیری کردند که شباهت زیادی به موج سبز در ایران داشت. در جزوه آموزشی که بر روی سایت آلبرت انیشتاین قرار گرفته نکته‌ای به نام "موقعیت دشوار" وجود دارد که از مهمترین روشهای استراتژیک است و حکومتها را در شرایطی فرار می‌دهد که نتوانند با معترضین برخورد کنند. در این نکته آمده که اعتراضات باید زیر پوشش عاداتی مذهبی قرار بگیرد و حرکاتی مانند پیاده روی در خیابان را انجام دهید که هیچ دولتی نمی‌تواند از آن جلوگیری نماید. در انتهای این جزوه آموزشی اشاره‌ای به چند حلقه فیلم آموزشی شده که پیرامون انقلاب صربستان است. و حتی فیلمها به زبان فارسی دوبله شده و بر روی وب سایتها قرار گرفته است.

جزوه دیگری نیز وجود دارد که در مورد نحوه تسخیر مکانها و ساختمانهای حساس شهر است و در آن آموزش می‌دهد که گروه‌های معترض چگونه بتوانند مراکز مهم را تصرف کنند.

لازم است در اینجا به نکته مهمی در محضر دادگاه اشاره نمایم و آن این است که فیلم آموزش کودتای مخملی صربستان که به فارسی ترجمه گردیده توسط فردی به نام نادر صدیقی ویراستاری و باصدای وی روایت شده است. این فرد کسی است که اولین بار آقای کیان تاج بخش را به آقایان حجاریان و تاج زاده معرفی می‌نماید. آقای تاج بخش در مورد نقش آقای نادر صدیقی می‌گوید: "نقش آقای نادر صدیقی و اینکه چه کسی مرا به او معرفی کرده و او به سفارش چه کسی مسئول وصل من به آقای حجاریان و تاج زاده گردیده برایم گنگ است." در حال حاضر نامبرده متواری می‌باشد.

این جاسوس بازداشت شده که بنا به دلایل امنیتی فعلا از اعلان نام وی معذوریم معتقد است براندازی نرم یا همان کودتای مخملی دارای سه بازوی فکری، رسانه‌ای و اجرایی است و تصریح می‌کند: "هر کدام از بازوهای کودتای مخملی با تعدادی از موسسات و بنیادهای آمریکایی ارتباط دارند و در واقع نوعی تقسیم کار صورت پذیرفته است."

او در این رابطه می‌گوید: "در مثلث براندازی (بازوی فکری، بازوی رسانه‌ای و بازوی اجرایی) هر کدام از موسسات آمریکایی فعالیت خاصی را انجام می‌دهند که در ایران نیز یکسری افراد با آنها همکاری دارند. مهمترین آنها موسسه‌ای است به نام "هوفر" که زیر نظر دانشگاه استن فورد و در زمان جنگ سرد تشکیل شده است.

این موسسه پروژه‌ای به نام "دموکراسی در ایران" را در دستور کار قرار داده که زیر نظر سه عنصر امنیتی به نام‌های: عباس میلانی، لری دایمند و مایکل مک فور اداره می‌شود.

عباس میلانی در زمان محمدرضا پهلوی به دلیل فعالیت در گروه‌های چپ دستگیر می‌شود. او بعدها به یک سلطنت طلب دو آتیشه تبدیل می‌شود به طوری که پس از انقلاب یکی- دو سال در ایران زندگی می‌کند اما پس از چندی کشور را به مقصد آمریکا ترک و در آنجا کتابهای متعددی را به نگارش در می‌آورد و در این کتابها از دستاوردهای رژیم پهلوی تقدیر می‌کند. او کم کم به یکی از رهبران اپوزیسیون تبدیل شد که با دیگر رهبران این جریان یک تفاوت عمده داشت و آن رابطه با عناصر اصلاح طلب داخلی بود."

این جاسوس بازداشت شده می‌افزاید: "پروژه "دموکراسی در ایران" پیرامون فرهنگ عامه مردم ایران مانند موسیقی، وبلاگها و مسائل جنسی کار می‌کند.

بخش دانشجویی این موسسه بسیار فعال است و افرادی مانند خانم حقیقت جو، آرش نراقی (از حلقه کیان و نزدیک به سروش) در کنفرانس‌های آنها سخنرانی می‌کنند. در داخل ایران نیز افرادی که به حزب کارگزاران سازندگی نزدیک هستند با این موسسه همکاری دارند. به طور نمونه عطریانفر در هر مجله یا روزنامه‌ای که کار می‌کند از عباس میلانی تحت پوشش یک تاریخ نگار مصاحبه می‌کند. اهمیت عباس میلانی برای "سپا" از رضا پهلوی هم بیشتر است زیرا او با اصلاح طلبان رابطه خوبی دارد و حتی تمام هزینه‌های مالی اکبر گنجی در خارج از کشور را نیز او تأمین می‌کند."

بازوهای کودتای مخملی در ایران

جاسوس مذکور در مورد بازوهای کودتای مخملی در ایران می‌گوید: "مدلی که در ایران طراحی شده مانند دیگر کشورها دارای سه بازوی فکری، اجرایی و رسانه‌ای است هر کدام از این بازوها دارای زیرمجموعه‌های فعالی می‌باشند که به طور مثال بازوی فکری دارای زیر مجموعه‌های روشنفکری مذهبی، روشنفکری سکولار، سرمایه داری، سیاست خارجی، ادبیات و ... می‌باشد که در هر کدام از این موارد موسساتی در خارج و داخل ایران هستند که به صورت فعال نقش دارند.

بازوی اجرایی این پروژه یعنی کودتای مخملی دارای شش زیرمجموعه می‌باشد.

1- زیرمجموعه زنان که از چند طیف تشکیل شده است. مهمترین لیدرهای این طیف خانم شادی صدر و خانم شیرین عبادی هستند. این طیف‌ها بیشتر با NGOهای هلندی در تماس هستند که هزینه‌های این گروه‌ها و کمپین‌ها را پرداخت می‌کنند.

طیف دیگری به مسئولیت پروین اردلان- دختر علی اردلان از رهبران جبهه ملی- فعالیت می‌کند. طیف نوشین همدانی خراسانی که تمایلات چپ دارند از جمله این طیف‌ها هستند.

2- زیرمجموعه قومی- نژادی، بیشتر امور این کار در طیف شیرین عبادی صورت می‌گیرد. او با اینکه در زمینه حقوق بشر فعالیت می‌کند اما رگه‌های قومی-نژادی در آن وجود دارد. گروه‌های ملی- مذهبی نیز در این زمینه متمرکز هستند.

3- زیرمجموعه حقوق بشر، مهمترین چماقی که آمریکا برای رویارویی با مخالفان خود استفاده می‌کند حقوق بشر است. در این زیرمجموعه چند طیف وجود دارد که این بار نیز طیف شیرین عبادی از فعالان این عرصه هستند. هادی قائمی که از عناصر فعال و امنیتی در آمریکاست از حامیان خارجی این طیف می‌باشد. او مدتی است که رئیس بخش ایران در سازمان صهیونیستی "دیده بان حقوق بشر" بوده و با بودجه 15 میلیون یورپی هلند موسسه‌ای را راه‌اندازی کرده که تمرکزش فقط حقوق بشر در ایران است.

4- زیرمجموعه کارگری؛ اگر به یاد داشته باشید در سال‌های گذشته سندیکای اتوبوسرانی اعتصابی را ایجاد کرده بود که رهبری آن را فردی به نام منصور آصانلو برعهده داشت. این جالب است که افرادی به دلایل مختلف از جمله عقب افتادگی دستمزد خود دست به اعتصاب می‌زنند اما حواسشان نیست که موسسات برانداز در آمریکا مانند NED، صندوق مالی و دموکراسی و ... به صورت آشکار به موسسات دیگر چندین میلیون دلار پول می‌دهند تا به سندیکاهای کارگری در ایران کمک شود. تمامی اسناد این کمک‌ها در وب سایت سازمان NED موجود است. علت دسترس‌ی آسان به این اسناد را می‌توان تظاهرسازی دانست.

خیلی از افراد معتقدند که اینها چون مخفی کاری انجام نمی‌دهند پس به دنبال مطلب و مسأله خاصی نیستند.

5 - NGOها؛ این زیرمجموعه در دوره دولت اصلاحات از اهمیت خاصی برخوردار شد. غرب به این نتیجه رسیده بود که باید NGOها در ایران گسترش پیدا کنند و به دنبال این بود که ضعف آنان از نظر منابع انسانی، مالی و مدیریتی نیز تأمین شود. به همین دلیل موسساتی تأسیس شد که بیشتر آن در هلند بود. وظیفه این موسسات این بود که به NGOهای ایرانی خدمات آموزش پرسنل، آموزش جمع آوری پول از خارج کشور و ... را بدهند. دو NGO برجسته در کشور با نامهای کنشگران به مدیریت سهراب رزاقی (مدیر NGOها در وزارت کشور دوره اصلاحات) که مبلغ دو میلیون یورو بودجه از موسسات هلندی دریافت کرد و موسسه همیاران با مدیریت باقر نمازی، موسسه همیاران بعد از زلزله بم در سال 2003 میلادی یکسری کلاس‌های آموزشی با عنوان جذب پول از خارج کشور در تهران برگزار کرد که مدرسان آن افرادی همچون هادی قائمی بودند که سابقه صهیونیستی و امنیتی دارند.

6- زیرمجموعه دانشجویی؛ اوج فعالیت زیرمجموعه دانشجویی در جریان 18 تیر 78 بود که البته مدتی بعد از آن نیز تضعیف شد. اما با گذشت زمان شاخه دانشجویی با مرکزیت دفتر تحکیم وحدت طیف علامه و شاخه‌های مرتبط با آن نقش جدی در بازوی اجرایی براندازی ایفا کرد.

دادگاه آعاجری، نامه به کوفی عنان، تحریم انتخابات و ... از جمله فعالیت‌های این زیرمجموعه بوده است. رفتن افرادی همچون محسن سازگارا، عطری، علی افشاری و رضا دلبری به آمریکا و شاغل شدن این افراد در موسساتی که کار آنها براندازی نظام جمهوری اسلامی است می‌تواند بهترین مستند برای همکاری این زیرمجموعه با پروژه کودتای مخملی در ایران دانست. "

باروهای فکری پروژه کودتای مخملی در ایران

این جاسوس سیا در این باره می‌گوید: "این بازو از اهمیت بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت قبل از هر مسأله‌ای کار فکری شروع می‌شود و سالها طول می‌کشد که دیگر بازوها (اجرایی و رسانه‌ای) به کار بیفتند. بازوی فکری در ایران از سال‌های خیلی دور یعنی از اواسط جنگ آغاز شد در همین راستا یک تفکر روشنفکری جدید از میان نیروهای مسلمان بیرون می‌آید که رهبری آن به عهده عبدالکریم سروش و مجله کیهان فرهنگی است (در آن زمان مدیریت مجموعه کیهان با سید محمد خاتمی بود).

مقالاتی که سروش در این مجله به نگارش در می‌آورد موضوعات خاصی را در پی داشت به طور نمونه سروش در اولین مقالات خود این موضوع را انتخاب می‌کند که چیزی به عنوان غرب وجود ندارد که بخواهیم در مورد غرب زدگی صحبت کنیم و اینگونه مبارزه با غرب زدگی را که یکی از گفتمان‌های مهم انقلاب بود زیر سؤال می‌برد. آنها زیر پایه‌های فرهنگی انقلاب را آرام آرام هدف گرفته و از میان می‌بردند. از همان زمان یک تیپ نوچه پروری و استبداد فکری در بحث تفکرشان مطرح بود که آن را پنهان نگه می‌داشتند. اگر ما فرض کنیم که غرب و استبداد وجود ندارد دیگر شعارهای انقلاب از قبیل استقلال و آزادی معنا پیدا نمی‌کند.

این روند ادامه یافته و یک به یک پایه‌های تفکر امام را می‌زند پایه هائی مثل وحدت دیانت و سیاست، ولایت فقیه، و

بدینسان زمینه برای غربی شدن و آمریکایی شدن را فراهم نمودند. "

وی در ادامه می‌گوید: "افراد دیگری مانند سریع القلم، ناصر هادیان و هادی سمتی با تفکرات خاصی شروع به تئوری سازی در زمینه تأمین منافع آمریکا در ایران کردند. آنها موضوعاتی مانند انرژی اتمی و موشکی، حمایت از لبنان و فلسطین را آرام آرام مورد هجوم قرار می‌دادند. این تئوری‌ها در مراکز تحقیقاتی مختلفی در دولت اصلاحات پرداخته شد و در مطبوعات به صورت گسترده در جامعه پخش می‌شد.

اهم شباهت‌های کودتای مخملی شکست خورده در ایران به کودتای مخملی چند کشور نامبرده :

1) طرح تقلب با هدف بی اعتماد سازی مردم ومشروعیت زدائی از نظام سیاسی مستقر، در همین رابطه رهبر بصیر انقلاب اسلامی در خطبه‌های تاریخی نماز جمعه 29 خرداد فرمودند:

" من اول فروردین در مشهد گفتم ، هي دارند دائماً به گوشها مي‌خوانند ، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب شود ، مي‌خواستند زمینه را آماده کنند، من آن وقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم وگفتم این حرفي را که دشمن مي‌خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد نگوئيد.نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است ؛ این اعتماد آسان به دست نیامده ، سي سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش یا تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند.دشمن مي‌خواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. "

متأسفانه برخی از جریانهای سیاسی، احزاب وفعالان سیاسی بدون توجه به هشدارهای معظم له ودر يك همنوائی معناداربا دشمنان مرتباً بر توهم احتمال بروز تقلب در انتخابات دامن زدند.آنهم بدون ارائه هیچ دلیل ومدركي.

يكي از احزاب مورد نظر در این زمینه سازمان مجاهدين انقلاب اسلامی است که از ماهها پيش از انتخابات چه قبل وچه بعد از فرمایشات مقام معظم رهبري ودعوت معظم له به پرهیز از همسوئی با دشمن، در بیانیه‌های رسمي واطهار نظرهای اعضاء آن کراراً بحث تقلب در انتخابات ترویج گردیده است.

سازمان مجاهدين در بیانیه 21/1/88 که به عنوان اعلام حمایت ازنامزدي ميرحسين موسوي ثبت گردیده و تنها 20 روز بعد از هشدار رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شده است، اینگونه حرف دشمنان را تکرار مي‌کند "سلامت انتخابات به شدت به مخاطره افتاده است به طوري که ديگر تقريباً اعتمادی به آمارهای انتخابات از جمعیت واجد حق رأي گرفته تا آراءشرکت کنندگان وتا آراء کاندیداها وجود ندارد "

البته این سازمان ماهها قبل از آن نیز یعنی در تیر ماه سال 87 طی قطعنامه کنگره دوازدهم موضوع تقلب را به نوعي ديگر مطرح مي‌نماید.بعد از اعلام نتایج و پیام رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی میني بر تأیید انتخابات نیز سازمان مجاهدين با صدور چند بیانیه ، بدون ارائه سند ومدركي صحت انتخابات را زیر ستوال برده است.به عنوان مثال در اولین بیانیه بعد از اعلام نتایج تصریح شده است: "ما در وجود تقلب وتخلف تردیدي نداشتيم"

اسناد جعلی در منزل بهزاد نبوی و سندهای انتخاباتی

این جریان با هدف القاء جعل وتقلب در انتخابات وتشویش اذهان عمومي، نامه وزارت کشور را جعل نموده و با انتصاب افتراء به این وزارت خانه وتوزیع وسیع آن قصد فریب افکار عمومي را داشته است.همچنین در بازرسی از منزل آقای بهزاد نبوی عضو مؤثر و محوري سازمان مجاهدين اسنادي دال بر جعل سند با هدف تشویش اذهان عمومي به دست آمده که به پیوست تقدیم دادگاه مي‌شود.

شایان توجه اینکه نمونه هائی از این اوراق و نامه‌های جعلی در سندهای برخی کاندیداهاي ناکام و معترض نیز کشف گردیده است.

حزب مشارکت، حزب کارگزاران، برخی از اعضاء مجمع روحانیون مبارز نیز رسماً و همسو بارسانه‌ها وگروههای معاند و مخالف نظام صحت انتخابات را چه قبل و چه بعد از انتخابات مورد تردید قرار دادند.

این مسئله از آن جهت مهم وبرای دادگاه قابل توجه است که اولاً طبق آنچه گفته شد مسأله تقلب همزاد با شروع فعالیت‌های انتخاباتی بوده که حاکی از برنامه ریزی قبلی برای هدفی مشخص مي‌باشد.

ثانياً؛ این مسأله دلیل اصلي بروز تشنجات واعتشاشاتی است که خسارت مادي و معنوي فراواني از جمله کشته شدن هموطنانمان را در بر داشت و این در حالی است که متهمین بازداشت شده در اعترافات خود اذعان دارند که با علم به عدم وجود تقلب وبا هدف ایجاد تردید ، موضوع تقلب را مطرح نموده‌اند.

القای خط تقلب قبل از انتخابات

مازیار بهاری خبرنگار هفته نامه نیوزویک در این رابطه اظهار مي‌دارد:

"رسانه‌های غربی خط تقلب در انتخابات را حتی قبل از برگزاری انتخابات پیگیری مي‌کردند و بنده هم در يك مصاحبه‌اي با آقای خاتمی این سؤال را از ایشان پرسیدم وپس از مصاحبه با ایشان مشاهده کردم که جریانی مطابق با الگوی کلاسیک انقلاب رنگی در کشور دنبال مي‌شود "

بهباد نبوی تقلب را مطرح کرد

محمد علي ابطحي مسئول دفتر رئيس جمهور سابق که اکنون در بازداشت به سر مي برد در مورد بحث تقلب اظهاراتي دارد که به قسمت هايي از آن اشاره مي شود وي مي گويد:
"بحث تقلب در انتخابات در ايران از سال 76 اولين بار (توسط فرد مورد اشاره) مطرح شد که اصلاح طلبان از آن زمان به بعد از اين صحبت خيلي استفاده کردند و در اين انتخابات اخير هم اين بحث را بهزاد نبوي مطرح کرد و در ستاد خاتمي بعنوان مسئول کمیته صیانت از آرا مشغول به کار شد."

آقای ابطحي مي گويد: "آقای کرويبي در جلسه اي با حضور ديگر دوستان اصلاح طلب اعلام کرد؛ ما نبايد بر روي بحث تقلب در انتخابات پافشاري کنيم چون با اين کار اطمینان مردم سلب خواهد شد و ديگر در انتخابات شرکت نخواهند کرد. در همان جلسه آقای موسوي لاري اعلام کرد در انتخابات رياست جمهوري تقلب قطعي است."

موسوي خونيني ها گفته بود الفاي تقلب را براي جرزني لازم داريم

وي در ادامه مي گويد: "بعد از اعلام کاندیداتوري مهندس موسوي در ستاد ايشان آقای محتشمي پور طرح تقلب را مطرح کرد ، هم آقای موسوي وهم محتشمي پور زمينه بسيار تندي در اين باره داشتند و کمیته صیانت از آراء را تشکیل دادند ، نکته مهم در اين زمينه عقیده داشتن تمام اصلاح طلبان است بر اینکه بیش از 2 يا 3 ميليون تقلب نمي شود انجام داد. در جلسه بعد آقای موسوي خونيني ها اعلام کرد؛ ما نبايد فیتيله بحث تقلب در انتخابات را پايين بکشيم چون موقع جرزدن لازم مي شود."

آقای ابطحي تصريح مي کند: "من اعتقاد اين است که محتشمي پور ضربه بزرگي به مهندس موسوي وارد کرد، او در جلسه 23 خرداد مجمع اعلام نمود؛ من به مهندس موسوي گفته ام که نگران نياش ما آنقدر سند در مورد تقلب داريم که مي توانيم مسير انتخابات را تغيير دهيم. آقای مهندس موسوي به دليل بي تجربگي و دور بودن از صحنه سياسي زود تحت تأثير قرار مي گيرد."

ابطحي در ادامه گفته فوق افزود: "2 روز بعد از انتخابات از موسوي لاري در زمينه تقلب پرسيدم که در جوابم گفت؛ محتشمي پور چرند مي گويد زيرا تغيير در آراء موسوي بيشت از 700 الي 800 هزار نخواهد بود."

ناجزاده از طريق استان ها مي دانست در انتخابات باخته اند

مصطفي تاج زاده معاون سياسي وزير کشور و رئيس ستاد انتخابات کشور در دولت آقای خاتمي يکي ديگر از بازداشت شدگان است که امکان تقلب را منتفي مي داند و در اين باره مي گويد: "تقلب در انتخابات وجهي نداشت اما به محض اینکه انتخابات تمام شد و من از بچه هاي استانها سؤال کردم احساس کردم که انتخابات را باخته ايم ولي فاصله را 3 به 1 نمي دانستيم"

تاج زاده ادامه داد: "اين راهم براي اولين بار بگويم که از ساعت 12 که آراء اعلام شد هيچ کس از من نشنيد که تقلب شده است. لذا چيزهايي که مي گويند به من بر نمي گردد و من دخيل نبوده ام ، البته حريم بيانيه اي داده وينده را هم مثل آنها مجازات کنيد."

مصطفي تاج زاده اضافه مي کند: "به نظر من اين انتخابات به لحاظ کمي جزء کم نظيرترين وبه لحاظ کيفي جزو بي نظير ترين انتخاباتها بود. معتقدم اين سرمايه 40 ميليوني سرچايش محفوظ است."

همچنين در اظهارات يکي از متهمين آمده است: "... در جلسه روز شنبه مورخ 23/3/88 با آقای تاج زاده و تعدادي از دوستان ديگر در ستاد ائتلاف اصلاح طلبان در محل ستاد آقای تاج زاده با حالي بهت زده و خاص حضور داشتند. از ايشان دو سؤال مطرح کردم سؤال اول: اوضاع رأي آقای موسوي چطور است؟ ايشان گفتند: "رأي آقای موسوي خوب نيست و آقای احمدی نژاد قطعا در دور اول پيروز انتخابات خواهد بود. سؤال دوم: به نظر شما تقلب شده؟ که ايشان پاسخ دادند: من با همه استانها جز استان اردبيل تماس گرفته ام نتايج اعلام شده با نتايجي که ما داشتيم هيچ تفاوتی نمي کند و تقلبي صورت نگرفته است."

بهباد نبوي: سندي براي تخلف نداريم ولي به موسوي خيانت نمي گنم

بهباد نبوي عضو شوراي مرکزي سازمان مجاهدين، مشاور رئيس جمهور سابق و نايب رئيس مجلس ششم نيز که اکنون در بازداشت به سر مي برد در مورد طرح تقلب اعتراف مي کند: "ما هيچ سندي دال بر وجود تقلب نداشته ايم و بايد به رأي شوراي نگهبان التزام داشته باشيم"

وقتي از آقای نبوي خواسته شد که لافل براي جبران بخشي از تخلفات خود و به خاطر وضعيتي که با طرح واهي تقلب به وجود آورده ايد و معترف هم هستيد که سندي در تاييد آن نداريد و به خاطر اين ادعاهاي دروغ خسارتهاي جاني و مالي فراواني بر مردم عزيزمان تحميل نموده ايد. همين مسأله را رسما اعلام کنيد ايشان در پاسخ مي گويد: "من به آقای موسوي خيانت نمي گنم. " از او سؤال شد آیا به خاطر عدم خيانت به موسوي، حاضر هستيد که به مردم خود و تاريخ

کشورت خیانت کنی؟ نامبرده هیچ پاسخی نمی‌دهد.

رمضان زاده: تقلب در ایران امکان ندارد

رمضان زاده سخنگوی دولت آقای خاتمی نیز در این باره می‌گوید: "من همیشه گفته ام ودوستان هم حزبی بنده هم می‌دانند که تقلب در ایران امکان ندارد."

صفایی فراهانی: ادعای تقلب مورد سؤال است

محسن صفایی فراهانی عضو شورای مرکزی و رئیس هیأت اجرایی مشارکت، نماینده مجلس ششم و رئیس فدراسیون فوتبال از سال 1377 تا 1381 نیز در اقرار خود چنین می‌گوید: "به هیچ وجه نمی‌توان پذیرفت که در این انتخابات تقلب شده است حتی اگر فرض را هم بر تقلب بدانیم یک میلیون، دو میلیون."

او همچنین در این زمینه افزود: "برای خود من نیز سؤال است فردی مانند مهندس موسوی که عملکردش در انقلاب اسلامی روشن است در مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز عضو می‌باشد و افرادی همچون آقایان محتشمی پور و موسوی لاری که در دوره‌های گوناگون وزیر کشور بودند چنین ادعایی در مورد تقلب در انتخابات را دارند."

خبرنگار شبکه‌های غربی: ادعای موسوی درباره پیروزی در انتخابات بر اساس الگوی کلاسیک انقلاب رنگی بود

خاطر نشان می‌گردد که بقیه متهمین نیز در اظهاراتی مشابه فائلد که به هیچ وجه در این انتخابات تقلب نشده و امکان تقلب هم وجود ندارد.

مازیار بهاری، فیلمساز و خبرنگار شبکه‌های غربی در ادامه سخنان خود به نقش رسانه‌های غربی در طرح تقلب چنین اشاره می‌کند: "رسانه‌های غربی از چند ماه پیش از برگزاری انتخابات خط تقلب در انتخابات را در کانون توجهات خود قرار دادند و به گونه‌ای زمینه چینی کردند که اگر کاندیدای مورد نظر آنان در انتخابات پیروز نشد این حرکت را یک کودتا در آراء مردم تلقی کنند. چندی قبل با یکی از مشاوران کاندیدای مورد قبول غرب گفتگویی داشتیم که ایشان هم این نکته را مطرح کردند که در کشور کودتا شده است."

بهاری در تکمیل مطالب فوق می‌افزاید: "در همین راستا آقای موسوی قبل از اینکه نتایج انتخابات مشخص بشود طبق یک الگوی کلاسیک انقلاب رنگی گفتند: "من پیروز انتخابات هستم و هر نتیجه‌ای غیر از این اعلام شود تقلب شده است."

با توجه به اقرار متهمین و ادله مثبت طرح تقلب از سوی احزاب و فعالان سیاسی متهم در این پرونده از پیش طراحی شده و با هدف ایجاد آشوب و اغتشاش صورت گرفته است و این دقیقاً یکی از مولفه‌هایی است که در کودتای مخملی مورد توجه ویژه بوده و علت اصلی بروز اغتشاشات و آشوبها به شمار می‌رود. و نکته مهم اینکه در بحث تقلب هماهنگی کاملی بین متهمین با بیگانگان صورت پذیرفته است.

2) تجمعات غیر قانونی گسترده و اردو کشی‌های خیابانی دومین شباهت کودتای مخملی ایران با کشورهای مذکور است، که با هدف تمرین و ایجاد آمادگی برای تسخیر مراکز مهم دولتی صورت می‌پذیرد، اتفاقی که تقریباً در تمام کودتاهای مخملی به وقوع پیوسته است اما در ایران با ناکامی مواجه شد.

برگزاری تجمع در مقابل وزارت کشور، صدا و سیما، مجلس شورای اسلامی در همین رابطه ارزیابی می‌گردد. حمله به حوزه مقاومت بسیج با سلاحهای گرم و سرد و بمبهای آتشزا که پس از راهپیمایی غیر قانونی 25/3/88 در میدان آزادی اتفاق افتاد بنا بر اعترافات متهمین و تصاویر متعددی که از این حادثه و عوامل فعال آن بدست آمده کاملاً حکایت از سازمان یافتگی و از پیش طراحی شده این حمله دارد. حمل کوله پشتی‌های پر از سنگ و بمبهای آتشزا، حمل نارنجک و دیگر سلاحهای گرم در حمله مذکور دلیل محکمی است بر این ادعا، البته لازم است در اینجا به این نکته اشاره شود که حساب اعتراضات بخشی از مردم با مهاجمین هدایت شده کاملاً جداست.

رستم فرد تهرانی مسئول سایت سهام نیوز در مورد اهداف برگزاری تجمعات می‌گوید: "مسأله‌ای که ما در جریان انتخابات اخیر دنبال می‌کردیم این بود که با برگزاری این تجمعات بگویم که در انتخابات تقلب صورت گرفته است."

وی در ادامه به نحوه اطلاع رسانی برای تجمعات اشاره می‌کند و می‌افزاید: "ما از سه طریق سایت، تلفن و ایمیل زمان و مکان تجمعات را به اطلاع اعضاء شبکه رای خود می‌رساندیم."

کیان تاجبخش نیز با مقایسه‌ای بین اقدامات انجام شده در کودتاهای مخملی چند کشور و آنچه که در ایام انتخابات مشاهده شده مانند نمادسازی، زنجیره انسانی، طرح تقلب، اعلام پیروزی پیش از شمارش آراء و تجمع گسترده در مقابل مراکز مهم دولتی با هدف تسخیر آن اثبات می‌کند که در ایران هم بنا بوده یک کودتای مخملی اتفاق بیفتد.

آقای ابطحی هم طی اظهارات خود مبنی بر از تجمعات از پیش طراحی شده می‌گوید: "در جشن پیروزی یا شکست که نتیجه آن شورش است مسأله‌ای بود که از قبل آماده شده بود. آوردن مردم به خیابان، تعیین مسیر، آوردن تجهیزات و گزارش

لحظه به لحظه رخدادها توسط فیس بوک تماما مورادی بود که قبل از انتخابات آن را پیگیری می‌کردند و می‌خواستند این اعتراضات را به یک نهضت تبدیل کنند.

وی در ادامه می‌افزاید: "صبح جمعه (22 خرداد) اطلاعیه‌ای در فیس بوک مهندس موسوی منتشر شد که حامیان موسوی امشب تا صبح بیدار می‌مانند، این با موضوع سمبلیکی که کروبی مطرح کرده بود متفاوت بود.

بعد از مشخص شدن نتایج اولیه انتخابات، ستاد مهندس موسوی به سرعت نیروهایش را سازماندهی کرد. تاج زاده، در یک تماس تلفنی به من گفت: "ما قصد داریم این جمعیت را تا پایان انتخابات نگه داریم و آنها را به تمام نقاط شهر هدایت کنیم."

ابطحی ادامه می‌دهد: "معتقدم این جریان دارای سه ضلع است: 1- رأس 2- بدنه محرك 3- شبکه اجتماعی که در حقیقت جسم کار هستند."

در توضیح بیشتر بدنه محرك ابطحی اضافه کرد: "در بدنه محرك یکسری نقش فعالتری داشتند مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، جبهه مشارکت، گروه‌های لشکر ساخته خاتمی مانند گروه 88، یاری نیوز، پویش و... حوزه‌های مجازی که لحظه به لحظه مردم را دعوت به حضور در خیابان می‌کرد و شبکه‌های خارجی که توسط خبرنگاران خود تمام اخبار را پوشش می‌دادند. نکته مهم این است که خبرنگاران خارجی به این آقایان خیلی نزدیک شده بودند حتی از لشکرهای ساخته شده نیز نزدیکتر بودند."

وی در مورد نقش بدنه محرك می‌گوید: "مهمترین نقش این عناصر نگه داشتن مردم در خیابانها بود تا اگر زمانی آقای موسوی اعلام کرد در فلان نقطه شهر هستیم بتوانند همه را در آن نقطه جمع کنند. این سازماندهی توسط لشکرهای ساخته شده صورت می‌گرفت."

ابطحی در جای دیگر می‌افزاید: "به خیابان آوردن جمعیت قبل از انتخابات مقدمه‌ای بود برای به خیابان آوردن آنها در شب شنبه، افرادی مانند فاتح، تاج زاده، خاتمی و ستادش، مهدی هاشمی و آدمهایش برای اینکه جمعیت را در خیابانهای شهر نگه دارند خیلی فعال بودند و همه اینها در پیش بینی و طراحی برنامه برای شب شنبه نقش داشتند."

در پایان این بخش باید خاطرنشان کرد که نقش رسانه‌های بیگانه از جمله BBC فارسی، صدای آمریکا VOA، العربیه، رادیو فردا و رادیو زمانه در آموزش و تحریک با هدف گسترش ناآرامی‌ها و برگزاری تجمعات غیرقانونی و اغتشاشات برجسته می‌باشد.

همچنین همسویی احزاب و عناصر متهم در این پرونده با رسانه‌های مذکور بسیار حائز اهمیت است که از ریاست محترم دادگاه درخواست توجه ویژه به این موضوع دارد.

3) فرهنگ سازی ، نهاد سازی و شبکه سازی

بنا بر اعترافات متهمین و جزوات آموزشی ، فرایند کودتای مخملی در سه مرحله (1) فرهنگ سازی یا به عبارت بهتر جابجایی افکار به نفع ارزشهای غربی ، (2) نهاد سازی در قالب تشکیل "NGO" و (3) شبکه سازی از طریق وصل "NGO" به یکدیگر صورت می‌گیرد.

کیان تاج بخش یکی از متهمین بازداشت شده که بعنوان مأمور بنیاد سوروس برای مدیریت بالینی میدانی کودتای مخملی از سال 1377 در ایران حضور دارد در این رابطه میگوید ؛ ایجاد وسیع "NGO" با هدف یارگیری برای استفاده در بحران صورت می‌پذیرد .

محمد علی ابطحی یکی دیگر از متهمین نیز در تأیید سخنان تاج بخش می‌گوید: "در دوره اصلاحات 2 وزارتخانه یعنی وزارت کشور و وزارت ارشاد و سازمان ملی جوانان موظف شده بودند در سطح وسیعی مجوز تأسیس "NGO" صادر نمایند."

بنابر این طی سالهای گذشته دهها هزار NGO تأسیس واز سوی بنیادهای پیش گفته غربی مورد حمایت همه جانبه مادی ومعنوی قرار گرفته‌اند تا جاییکه شرکت شل نیز که یک شرکت نفتی است در زمینه راه‌اندازی ، آموزش ، سازماندهی و حمایت مالی از NGOها وارد عمل شد.

مع الوصف NGOها در کنار گروه غیر قانونی 88 که توسط احزاب فوق الذکر (مشارکت، سازمان مجاهدین و حزب کارگزاران) راه‌اندازی شده بود سازماندهی و هدایت تجمعات غیر قانونی قبل و بعد از انتخابات را به عهده داشتند.

مروری مجدد بر نقش برخی از احزاب و فعالان سیاسی در زمینه سازی برای کودتای مخملی در ایران

ریاست محترم دادگاه

با توجه به آنچه که تاکنون گفته شد می‌توان نقش برخی از احزاب مانند مشارکت، سازمان مجاهدین و کارگزاران را در زمینه سازی و اجراء کودتای مخملی در ایران در محضر دادگاه در محورهای ذیل تبیین نمود.

- 1- بررسی عملکرد چند ساله احزاب فوق اعم از اعلام مواضع در مسائل مختلف ملی و فراملی از طریق بیانیه‌ها و سخنرانی اعضا که عموماً با سیاه نمایی و تشویش اذهان عمومی همراه بوده است
 - 2- اخذ تصمیمات مجرمانه برای براندازی نظام در جلسات حزبی و محفلی
 - 3- ارتباط مستمر و معنادار با بنیادها و موسسات که در زمینه کودتای مخملی فعالیت دارند
 - 4- جلب حمایت‌های مالی خارجی در راه‌اندازی NGO ها، گسترش و شبکه‌سازی آنها با هدف به کارگیری در کودتای مخملی به عنوان لشکر پیاده نظام
 - 5- تلاش برای تحقق حاکمیت دوگانه و چند صدایی در کشور با هدف ایجاد شکاف بین نخبگان و جامعه
 - 6- طراحی برای بهره‌برداری از بستر انتخابات در جهت تحقق کودتای مخملی و تغییر ساختار نظام
- در اینجا به برخی از اسناد به دست آمده در مورد فعالیت‌های پنهانی احزاب و فعالان سیاسی مذکور اشاره می‌گردد.

1- حزب مشارکت در سند تعاملات راهبردی سیاسی- تشکیلاتی خود که برای دوره پنج ساله در پاییز 1387 تهیه نموده برده از منویات خود برای تغییر ماهوی نظام مقدس جمهوری اسلامی برمی‌دارد. هر چند که نویسندگان این سند سعی نموده‌اند نیت واقعی خود که حاکمیت سکولاریسم در کشور است را در لفاظیه اصطلاحاتی مانند مردمسالاری و دموکراسی بپوشانند اما در بخش‌هایی نتوانسته‌اند واقعیت خویش را بپوشانند از جمله در صفحه 8 بند 4 این سند آمده است: «بخش مردمسالار حاکمیت بتواند از بحران‌هایی که کل سیستم سیاسی را تهدید می‌کند به نفع تثبیت مردمسالاری و چانه زنی بیشتر استفاده نماید».

آیا این جمله نامی جز خیانت دارد؟ البته سراسر محتوای سند فوق حاکی از آن است که حزب مشارکت، نظام جمهوری اسلامی را نظامی استبدادی و غیرمردمسالار می‌داند و با این فرضیه قصد تغییر ماهوی آن را دارد و برای تحقق خواست خود برنامه ریزی نموده است و استفاده از عبارات آزادسازی اقتصادی و آزادسازی سیاسی دقیقاً با همین نگاه صورت گرفته است.

با این توضیح توجه دادگاه محترم را به بخشی از این سند جلب می‌کنم، در صفحه 6 آمده است: "در مرحله نخست حضور در نهادهای ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا و در مرحله بعد مجلس خبرگان نهادهای مناسب تری برای حضور طرفداران مردمسالاری می‌باشند."

البته تهیه کنندگان این سند که به امضاء دبیرکل و مهر حزب نیز منقش است بلافاصله در سطر بعد پا را فراتر نهاده و این تغییر را به کل نظام قابل تسری می‌داند و این یعنی تغییر ماهوی نظام به نظامی سکولاریسم. مستند به اینکه:

1- آقای خاتمی در دوره ریاست جمهوری خود در یکی از جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی تصریح می‌کند "گریزی از سکولاریسم نیست" و این تفکر متأثر از تصمیم‌سازی شبه علمی دفتر مطالعات استراتژیک نهاد ریاست جمهوری به ریاست آقای تاجیک عضو شورای مرکزی حزب مشارکت است طی مقالاتی سفارشی در نشریه راهبرد این استنتاج غیرعلمی را القاء و به رویت آقای خاتمی می‌رساند که "در آینده نزدیک احادی را یارای مقاومت در برابر سکولاریسم نیست و باید خود به نحو شایسته به این سرنوشت محتوم بشر تن دهیم و دعوت از هابرماس به ایران در سال 81 نیز با همین هدف صورت می‌پذیرد و در جلسه‌ای مجرمانه در منزل آقای کدیور که با حضور افرادی مانند حجاریان و محمد مجتهد شبستری تشکیل گردید به دقت روند سکولاریزاسیون در ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و راهکارهای جدید ارائه می‌گردد.

آقای یورگن هابرماس در حالی به کشور خود باز می‌گردد که در رایزنی‌های خود از اراده اصلاح‌طلبان برای استقرار حکومت سکولار در ایران مطمئن گردیده بود.

همچنین سفر آقای جان کین به ایران در سال 78 و ملاقات با برخی از چهره‌های اصلاح طلب نیز در همین رابطه ارزیابی می‌گردد. آقای جان کین یکی از نظریه پردازان کودتای مخملی و عضو سرویس اطلاعات خارجی انگلیس ام آی 6 می‌باشد.

2- در یکی از جلسات مشترک بین نمایندگان چند حزب اصلاح طلب که در پرونده سند آن موجود می‌باشد در مورد بررسی راه‌های جلب حمایت اتحادیه اروپا به نفع خود در رقابت‌های سیاسی داخلی به صراحت بحث می‌گردد و حمایت اتحادیه اروپا از متحصنین مجلس ششم نشان می‌دهد که در جلسه فوق گزینه مذکور به تصویب رسیده است.

3- پیشنهاد بهزاد نبوی مبنی بر تشکیل جبهه ضد استبداد با حضور همه طیف‌های اپوزیسیون

4- القای غیردموکراتیک بودن نظام که به صورت ترجیح بند اظهارات و بیانیه‌های احزاب مذکور و اعضا آن نمایان می‌باشد.

5- بنا بر اطلاعات منابع موثق در یکی از جلسات سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی شاخه اصفهان در بین کلیه اعضا نظرسنجی می‌گردد که در صورت حمله آمریکا به ایران آیا رهبر جمهوری اسلامی را تسلیم مهاجمین کنیم یا نه و این در حالی است که هیچ یک از شاخه‌ها اقداماتی در این سطح را جز با هماهنگی مرکزیت انجام نمی‌دهند.

- 6- در حزب مشارکت نیز اقدام مشایبهی در شاخه اراک صورت می‌پذیرد و یکی از مسئولین شاخه طی سخنانی اظهار می‌دارد در صورت حمله آمریکا به ایران با دستان خودمان مسئولین جمهوری اسلامی را اعدام خواهیم نمود.
- 7- اظهارات و مواضع ضد دینی اعضای سازمان طی سالهای گذشته که اسناد آن موجود می‌باشد به حدی رسید که مرحوم آیت الله مشکینی رحمه الله علیه این سازمان را نامشروع و باعث انحراف جوانان خواند.
- 8- صدور بیانیه‌های ساختار شکن و محوریت در جمع آوری امضاء برای نامه‌های سرگشاده به مسئولین نظام به ویژه به رهبر معظم انقلاب اسلامی که در یکی از این نامه‌ها از معظم له می‌خواهند مانند امام جام زهر را برای مصلحت نظام بنوشند.
- 9- و اما در حوادث اخیر نقش محوری اعضای حزب مشارکت، سازمان مجاهدین و حزب کارگزاران در سطح طراحی، سازماندهی و هدایت اغتشاشات و تجمعات غیرقانونی.

این نتیجه را به دست می‌دهد که احزاب مذکور همواره چه زمانی که در قدرت باشند مانند دوره اصلاحات که دو قوه را در اختیار داشتند و چه زمانی که در قدرت نباشند، بر روند فتنه جویی تا تغییر ماهوی نظام به نظامی سکولار ادامه خواهند داد.

حضور منافقین در ستاد نامزدها و آشوبها

جام جم آنلاین؛ معاون دادستان عمومی و انقلاب تهران در ادامه قرائت متن کیفرخواست مدعی العموم در دادگاه امروز شنبه عوامل آشوبهای اخیر به نقش و اتهامات عوامل میدانی پروژه کودتای مخملی و نیز حضور آنان در ستادهای انتخاباتی نامزدها اشاره کرد و گفت: بر اساس اعترافات اعضای دستگیر شده گروهک منافقین در آشوبهای اخیر، این افراد در خارج و همچنین پادگان اشرف آموزش خرابکاری و ترور دیده و سازماندهی شده فعالیت می‌کردند.

ریاست محترم دادگاه

آنچه گذشت خلاصه‌ای از اقدامات طراحان و هدایت کنندگان داخلی پروژه شکست خورده کودتای مخملی بود. در بخش دوم به نقش و اتهامات عوامل میدانی این پروژه اشاره می‌شود:

مبارزه و افساد فی الارض از طریق تلاش و فعالیت موثر در راستای پیشبرد اهداف گروهک تروریستی منافقین تعدادی از متهمان بازداشت شده که دارای سابقه محکومیت کیفری و عضویت در سازمان منافقین هستند در این فتنه دستگیر و یکی از آنان در اعترافات خود می‌گوید: "در سال 1379 جذب سازمان منافقین شدم و در اولین اقدام جدی در سال 1383 وارد فاز نظامی شدم. در این سال برای بمب گذاری در يك مکان حساس در شهر تهران مشارکت پیدا کردم و سپس فعالیت‌های خود را در توزیع اعلامیه و جمع آوری و ارائه اخبار و اطلاعات به سازمان منافقین گسترش دادم تا اینکه در صحنه تجمعات و اغتشاشات پس از انتخابات به صورت فعالانه‌ای شرکت کردم. مأموران انتظامی زمانی اقدام به دستگیری ام کردند که در حال پرتاب کوکتل مولوتف به یکی از مراکز دولتی در تهران بودم."

مأموریت عضو گروهک نفاق برای حضور فعال در اغتشاشات

رضا خادمی با نام مستعار حبیب فرزند عباس متهم است که به واسطه برقراری ارتباط با گروهک تروریستی منافقین علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران اقدام نموده است.

متهم مزبور به صورت غیرقانونی از کشور خارج و با حضور در قرارگاه اشرف در عراق و گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی نظامی و جمع آوری اخبار و اطلاعات به کشور بازگشته است.

از دیگر اتهامات وی جذب نیرو برای گروهک منافقین و اعزام آنها به عراق است. متهم همچنین در دوران انتخابات اقدامات تبلیغی متعددی به نفع منافقین از جمله هوا کردن بالن با عکس سرکردگان گروهک منافقین و نصب تراکت و بیانیه در تهران نموده است.

وی با ناصر عبدالحسینی، محمد نوری و حسین شیرمحمدی از دیگر اعضای منافقین در ارتباط بوده است و اقدام به جمع آوری پنهان اخبار و گزارش‌های مربوط به اغتشاشات پس از انتخابات و حضور فعال در تجمعات غیرقانونی نموده است.

دستگیری عضو گروهک نفاق هنگام پرتاب کوکتل مولوتف به سمت نیروهای انتظامی

خانم عذرا سادات قاضی میرسعید فرزند حسن دارای سابقه محکومیت کیفری و عضویت در سازمان منافقین است.

اتهام وی مبارزه و افساد فی الارض از طریق تلاش و فعالیت موثر در راستای پیشبرد اهداف گروهک تروریستی منافقین و همکاری با این سازمان است.

دستگیری متهمه در صحنه ارتکاب جرم و پس از شناسایی وی به عنوان یکی از عوامل اصلی اغتشاش توسط مأمورین امنیتی حین پرتاب کوکتل مولوتف صورت گرفته است.

متهمه در سال 83 در بمب گذاری تهران مشارکت داشته و در انتخابات اخیر اقدام به توزیع اعلامیه به نفع گروهک تروریستی منافقین و جمع آوری و ارائه اخبار و اطلاعات به این گروهک کرده است.

سوابق سیاسی و حزبی متهمه از جمله اقرار وی به عضویت در سازمان منافقین در سال 1379 و فعالیت‌های وسیع متهمه در جهت اهداف سازمان مورد اشاره محرز است.

حضور عضو گروهک نفاق در ستاد آقای کروی و جمع آوری اطلاعات برای منافقین

ناصر فریدی فرزند محمد، از طریق تلفن و اینترنت با گروهک منافقین وصل می‌شود و سپس با شرکت فعال در تجمعات دانشجویی و صنفی، اقدام به تهیه و ارسال عکس و فیلم و اخبار به گروهک نفاق می‌کند.

متهم مزبور همچنین مأموریت داشته است اخبار و اطلاعات زندانیان گروهک نفاق را پیگیری و این اطلاعات را به خانواده‌های آنان و گروهک منافقین ارسال نماید.

وی با حضور در اغتشاشات و تشویق دانشجویان به حضور در تجمعات غیرقانونی، اطلاعات این تجمعات و آشوب‌ها را برای منافقین ارسال می‌کرده است.

متهم ضمن ارتباط گیری با خانواده زندانیان و مصاحبه با آنان، نوارهای مصاحبه را برای سیمای آزادی، صدای آمریکا، رادیو فردا و ... ارسال کرده است.

وی همچنین خانواده شب‌نم مدد زاده از اعضای گروهک را به سرپل منافقین وصل نموده است.

متهم مزبور در ستاد انتخاباتی آقای کروی حضور داشته است.

دستگیری اعضای گروهک نفاق در جلسه ساماندهی آشوب‌ها

- آقای امیرحسین فتوحی فرزند حسن، از عناصر فعال گروهک منافقین است که در اغتشاشات اخیر نقش موثری داشته و در جلسه تشکیلاتی گروهک دستگیر شده است.

- آقای مهدی شیرازی فرزند احمد از دیگر اعضای گروهک تروریستی منافقین است که در جلسه سازماندهی اعضای گروهک منافقین جهت دامن زدن به آشوب‌ها و اغتشاشات دستگیر شده است.

همکاری و ارتباط با اعضای گروهک منافقین در اغتشاشات اخیر

آقای حسام سلامت فرزند محمد، متهم به همکاری و ارتباط داشتن با ضیاء نبوی چاشمی از عناصر مرتبط با گروهک منافقین در داخل کشور است.

وی همچنین ارتباط نزدیکی با شورایی محرومین از تحصیل دارد که این شورا تحت نفوذ و هدایت منافقین می‌باشد. متهم مزبور از فعالین و محرکین شرکت در تجمعات غیرقانونی پس از انتخابات ریاست جمهوری بوده است و اخبار و گزارشهای مربوط به اغتشاشات را از طریق مجید دری که از سرپل‌های منافقین در داخل است، برای رسانه‌های بیگانه و منافقین ارسال کرده است.

اقدامات يك شبکه تروریستی وابسته به سرویس‌های امنیتی آمریکا و اسرائیل در آستانه انتخابات ریاست جمهوری

یکی از اعضای شبکه تروریستی مذکور به نام محمدرضا علی زمانی فرزند اسماعیل می‌باشد که دارای سابقه محکومیت کیفری در جرایم کلاهبرداری، جعل مهرهای سپاه، دادگستری و فوه قضائیه است.

فرد متهم به همراه حامد روحی نژاد و احمد کریمی در اسفند 1385 به عراق سفر می‌کنند و از این تاریخ ارتباط سازمان یافته‌ای را با نیروهای آمریکایی و اسرائیلی برقرار می‌نمایند.

متهمان جلسات متعددی را در دهوک اربیل، منطقه ربیعه در مرز سوریه و سلیمانیه با مقامات آمریکایی برقرار می‌نمایند و با دریافت پول از آنان، جهت ادامه مأموریت خود به تهران باز می‌گردند. ترور یکی از مسئولان شهر پاوه، جمع آوری اطلاعات مربوط به نیروهای بسیجی در تهران، دامن زدن به تجمعات، کارگری، تهیه بمب‌های قوی آتش‌زا، مشخص کردن اماکن سیاسی و مذهبی برای ایجاد انفجار، جمع آوری اطلاعات درباره ساختار و سازمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نحوه قاچاق سلاح به کردستان عراق، جمع آوری اطلاعات از پادگان امام حسین(ع)، انجام عملیات تروریستی در جریان برگزاری نماز عید فطر در مصلاهی تهران و همکاری اطلاعاتی جهت انفجار در برخی مراکز مذهبی در فروردین 1387 از مهمترین مأموریت‌های محوله به متهم و تیم همراه وی بوده است.

طراحی بمب گذاری در حوزه‌های رأی گیری و اقدام علیه امنیت ملی و دامن زدن به آشوب و اغتشاش از دیگر مأموریت‌های متهم بود که قبل از هرگونه اقدامی توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده است امنیتی گرفتار شد.

همکاری با نیروهای آمریکایی جهت به اغتشاش کشیدن کشور

آقای احمد کریمی فرزند محمود عضو دیگری از شبکه تروریستی وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی آمریکایی است که به همراه دو متهم دیگر یعنی حامد روحی نژاد و محمدرضا علی زمانی برای دیدار، توجیه و دریافت مأموریت از مقامات آمریکایی و اسرائیلی به صورت غیرقانونی از کشور خارج شده، به سلیمانیه عراق می‌روند.

متهم نامبرده در جریان ملاقات و تماس با افسران اطلاعاتی آمریکا و برقراری جلسات متعدد، آمادگی خود را برای هرگونه اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌نماید. متهم و تیم همراه، پس از دریافت پشتیبانی‌های لازم از جمله پول و تجهیزات مخبرانی، جهت انجام عملیات بمب گذاری و تروریستی در اماکن دولتی، مذهبی، جمع آوری اطلاعات از مراکز نظامی به ویژه سپاه و بسیج و تهیه چارت سازمانی نیروهای مسلح وارد کشور می‌شوند.

متهم نامبرده به همراه دیگر اعضای شبکه، پروژه‌های مختلفی را جهت ایجاد آشوب و ناامنی در کشور در برهه برگزاری انتخابات دهم و پس از آن تدارک دیده بودند که قبل از موفقیت در انجام انفجار و عملیات‌های تروریستی دستگیر شدند.

ورود به صحنه آشوب‌های پس از انتخابات

حامد روحی نژاد یکی دیگر از اعضای این شبکه تروریستی حدود یک سال و نیم در عراق اقامت داشته است. وی در اواخر سال گذشته از سوی افسر آمریکایی رابط اطلاعاتی خود مأموریت پیدا می‌کند که به تهران آمده از طریق بمب گذاری و ترور صحنه انتخابات ایران را ناامن و به آشوب بکشد که قبل از موفقیت در عملیات مذکور، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و در این پرونده بازداشت می‌باشد.

طرح بمب گذاری در حوزه‌های رأی گیری انتخابات ریاست جمهوری

امیررضا عارفی فرزند احمد عضو دیگر این شبکه از طریق ارتباط با فردی به نام فرود فولادوند با سرویس اطلاعاتی آمریکا مرتبط بوده است.

نامبرده به همراه یکی دیگر از متهمان اقدام به ساخت بمبی قوی آتش زا می‌نماید و در چند مرحله شدت انفجار آن را در بیابانهای اطراف تهران آزمایش می‌کند.

نامبردگان با تهیه فیلمی از این آزمایشات و ارسال آن به آمریکا، طرح‌های خود را برای انفجار در امامزاده زید(ع) بازار، امام زاده علی اکبر(ع) چیدر، حسینییه فاطمیون در خیابان مجاهدین اسلام، نصب بمب روی تانکر انتقال بنزین و برخورد آن با پمپ بنزین مقابل مجلس شورای اسلامی، بمب‌گذاری در حسینییه شهرک ولیعصر و مرقد مطهر حضرت امام خمینی(ره) اعلام می‌کنند.

با تأیید این طرح از افسران رابط، متهم نامبرده اقدام به طراحی ساخت بمب‌های قوی برای کارگذاشتن در حوزه رأی گیری حسینییه ارشاد و مسجدالنبی نارمک می‌نماید تا در روز انتخابات با انفجار آن، ضمن کشته و مجروح کردن صدها رأی دهنده، روند برگزاری انتخابات را دچار مشکل نمایند که در نهایت پیش از هر اقدامی، متهم و تیم همراه وی توسط نیروهای گمنام آقا امام زمان(عج) بازداشت می‌شوند.

ن تلاش برای تضعیف نظام اسلامی و به قدرت رساندن گروهک نهضت آزادی

آقای عماد بهار فرزند محمد حسین، مسئول شاخه جوانان گروهک نهضت آزادی و عضو دفتر سیاسی گروه است. نامبرده از سوی نهضت آزادی مأموریت پیدا می‌کند تا به صورت نفوذی از سوی نهضت آزادی در ستاد 88 و کمپین دعوت از موسوی فعال شود و خطوط نهضتی‌ها را به این ستاد منتقل نماید.

از جمله اقدامات وی تشکیل ستاد جوانان آقای موسوی در ستاد قیطره، برگزاری همایش‌های سه گانه موج سوم، سازماندهی ستاد 88 در استانها و هماهنگ نمودن نهضتی‌ها در استانها با این ستادها و انتشار و توزیع جزوات انتخاباتی است.

دیدار اعضای شاخه جوانان نهضت آزادی به همراه امیر خرم از اعضای شورای مرکزی نهضت آزادی با قربان بهزادیان نژاد مسئول ستاد انتخاباتی آقای موسوی در راستای همکاری و هماهنگی نهضتی‌ها با ستاد موسوی، با هماهنگی متهم مزبور صورت گرفته است.

وی در راستای کار تبلیغی هماهنگ و در يك اقدام تشکیلاتی اقدام به تهیه فیلم تبلیغاتی در حمایت از موسوی و کروی با آرم نهضت آزادی می‌کند این فیلم‌ها در تیراژ بالا و حمایت مالی فردی ناشناس منتشر و توزیع می‌شود.

متهم مزبور با اظهارات کذب و با درج مقالات و مصاحبه‌هایی در روزنامه‌ها و سایت‌های خبری اقدام به سیاه نمایی از اوضاع جاری کشور، تخریب اقدامات نظام، تشویش اذهان عمومی، ایراد افرا به مسئولان برگزار کننده انتخابات و گسترش فضای یأس و نومیدی در جامعه از طریق تکرار ادعاهای واهی درخصوص عملکرد نظام نموده است.

متهم مزبور همچنین نقش فعالی در راه اندازی تلویزیونی اینترنتی موج در ستاد قیطره در ایام انتخابات داشته است.

وی علل و انگیزه‌های خود را از این فعالیت‌ها، ترویج افکار سکولاریستی و تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و به قدرت رساندن گروهک نهضت آزادی عنوان کرده است.

ارتباط با شبکه‌ها و رسانه‌های بیگانه و ارسال اطلاعات و عکس جهت تهییج آشوبگران

ارسال خبر، گزارش، عکس و فیلم از صحنه‌های آشوب و اغتشاش به رسانه‌های بیگانه از دیگر اتهام بازداشت شدگان حوادث اخیر است.

این افراد با ارسال اخبار و تصاویر آشوب‌های خیابانی به شبکه‌های تلویزیونی و خبری، نقشی مهم در تحریک و تهییج افکار عمومی به ویژه ایرانیان مقیم خارج کشور علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند.

متهمان ابراز داشته‌اند با دریافت پول از رسانه‌های خارجی، اقدام به تشکیل خانه‌های تیمی و مجردي کرده‌اند و از طریق اینترنت پر سرعت اقدام به ارسال عکس و فیلم نموده‌اند.

در تصاویر و فیلم‌های ارسال شده، چهره‌های آشوب زده و بحرانی از کشور ارائه شده و بینندگان تصور می‌کنند آشوبگران، مردم ایران هستند که در اعتراض به نتایج انتخابات به خیابانها آمده‌اند.

مجید سعیدی فرزند ناصر، یکی از عکاسان بازداشت شده می‌گوید: "بنده در تجمعات غیرقانونی میدان انقلاب، میدان آزادی، میدان هفت تیر، میدان ولی عصر(عج) و میدان بهارستان اقدام به گرفتن عکس از تجمعات غیرقانونی کردم و سپس این تصاویر را از طریق خانه‌ای تجهیز شده در حوالی میدان هفت تیر به گروهک ضدانقلابی مرز پرگهر در آمریکا، آژانس گیتی ایمیج در انگلستان و دفتر سپیا در فرانسه ارسال کردم."

ضمناً نامبرده اعتراف کرده است طبق قراردادی که با موسسه گیتی ایمیج داشته، قرار بوده در قبال ارسال تصاویر اغتشاشات روزانه 225 دلار دریافت نماید. عکاس نامبرده هیچ گونه مجوزی برای عکاسی از اغتشاشات نداشته و با عناصر خارج کشور همکاری داشته است.

یکی دیگر از متهمان "ساتیار امامی" فرزند عبدالصمد، در تشریح اقدامات ضدامنیتی خود می‌گوید: "به درخواست آلفرد یعقوب زاده از عکاسان دفتر سپیا فرانسه، در تجمع غیرقانونی 18 تیر در میدان انقلاب شرکت کرده و عکس‌های این تجمع را همان شب به فرانسه ارسال کردم و روز بعد این عکسها در نشریات ضد انقلاب و سایت‌های خبری ضد انقلاب به منظور تهییج گروه‌های آشوبگر علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام منتشر گردید."

تهیه تصاویر از مراکز نظامی و هسته‌ای کشور و ارسال آن به خارج کشور از دیگر موارد اتهامی ساتیار امامی است که در این باره می‌گوید: "در قبال 1000 یورویی که از آلفرد یعقوب زاده دریافت کردم، اقدام به ارسال تصاویری از نیروگاه اتمی بوشهر به فرانسه نمودم."

مازیار بهاری از دیگر متهمان دستگیر شده، در اعترافات خود می‌گوید: "در جریان آشوب‌های پس از انتخابات، دو مقاله برای مجله نیوزویک به رشته تحریر در آوردم و در آن به دفاع از آشوبگران و حمله به نظام اسلامی پرداختم. برای فعالیت خود در نیوزویک روزانه 200 دلار دریافت می‌کردم. همچنین پس از ارسال فیلم حمله به پایگاه بسیج در خیابان محمد علی جناح، مسئولان شبکه 4 انگلیس متعهد شدند به خاطر ارسال این فیلم دو دقیقه ای، 2100 پوند به بنده پرداخت نمایند."

همچنین محمد رسولی فرزند حسین، که در تجمع غیرقانونی میدان آزادی و در حین فیلمبرداری از اغتشاشات دستگیر شده است می‌گوید: "در تجمعات پس از انتخابات به صورت فعال شرکت می‌کردم. یکی از مهمترین اهداف من برای شرکت در این تجمعات، تهیه فیلم از اغتشاشات و ارائه آن به شبکه‌های ماهواره‌ای از جمله بی بی سی بود که در چند مورد فیلم‌های ارسالی ام از بی بی سی پخش گردید."

شرکت در تجمعات غیرقانونی همراه با سلاح سرد و آلات مجرمانه

علیرضا اشراقی فرزند محمد جواد که در حین تحریک و تخریب بانکها و اماکن دولتی در خیابان کریم‌خان‌زند توسط مأموران امنیتی و انتظامی دستگیر شده، در اعترافات خود می‌گوید: «در تمامی تجمعاتی که پس از انتخابات برگزار شد، با قمه و سلاح سرد حضور داشتم. در روزهای اولیه آشوبها، تصمیم گرفتم سلاحی بسازم که بتوانم دوربین بانکها و اماکن دولتی را تخریب کند و البته در این کار هم موفق بودم و با ساخت تیرکمان دست سازی که تیرهای آن از میخ‌های پاشنه کفش بود، اقدام به ضرب و جرح مأمورین و تخریب دوربینهای مدار بسته بانکها و اماکن دولتی می‌کردم».

ساخت و پرتاب نارنجک دست ساز و آتش زا با استفاده از لباس فرم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

آقای میثم قربانی فرزند حجت الله که یکی از متهمان اغتشاشات پس از انتخابات است در اعترافات خود می‌گوید: "برای به آشوب کشانیدن تجمعات خیابانی، تصمیم گرفتم مواد لازم را برای ساخت نارنجک دست ساز فراهم کنم که در این کار

موفق بودم. پس از ساخت این نارنجک ها، آنها را در آشوبهای خیابانی مورد استفاده قرار دادم اما از آنجا که نگران شناسایی و بازداشت خود همراه با نارنجک بودم، اقدام به تهیه لباس فرم سپاه کردم تا از این پوشش بتوانم برای اهداف خود سود ببرم."

تمرد و حمله به مأمورین نیروی انتظامی در حین انجام وظیفه

آقای حسین باستانی نژاد فرزند شریف، از متهمان بازداشت شده در صحنه درگیریهای خیابانی میگوید: "از لحاظ سوابق سیاسی جزو هواداران حزب توده هستم. تجمعات خیابانی پس از انتخابات بستری برای حضور و فعالیت هر چه بیشتر من بود. در اکثر تجمعات غیرقانونی به عنوان یکی از محرکان آشوبها حضور داشتم و در حمله به نیروهای انتظامی و بسیج مشارکت داشتم."

دستگیری نامبرده پس از آن صورت پذیرفت که تصاویری از متهم در حال حمله به سنگ پرانی به نیروهای انتظامی در سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد و از طریق اطلاعات مردمی، محل اختفای متهم به نیروهای امنیتی گزارش و وی دستگیر می شود.

اسامی سایر متهمین که دارای اتهام مشابه هستند در پرونده منعکس می باشد.

حمله به مراکز نظامی با مواد آتش زا به قصد ایجاد فتنه و بلوا در جامعه

- آقای مهدی فتاح بخش فرزند هادی که در حین ارتکاب جرم دستگیر شده، اظهار می دارد: "در تجمع غیرقانونی خیابان آزادی اقدام به سنگ پرانی و حمله به مأموران نیروی انتظامی کردم. سپس به اتفاق جمعی از اغتشاشگران به سمت یکی از پایگاههای بسیج حرکت کردیم و با پرتاب سنگ و مواد آتش زا، کانکس پایگاه ثامن الائمه (ع) حوزه 115 ليله القدر بسیج را به آتش کشیدیم که در حین ارتکاب جرم توسط مأموران انتظامی و امنیتی بازداشت شدم."

- در میان متهمین آقای موسی شاه کرمی فرزند ابراهیم، با حمل کوکتل مولوتف و سنگ پرانی به مأمورین انتظامی، موجبات اقدام علیه امنیت کشور را فراهم آورده است.

- همچنین آقای امیر شناور فرزند خلیل، که دارای پیشینه محکومیت کیفری است، اقدام به سنگ پرانی و تمرد نسبت به مأموران نیروی انتظامی در حین انجام وظیفه نموده است. متهم با تأثیرپذیری از شبکههای ماهواره ای اقدام به آتش زدن اموال عمومی و خصوصی در جهت اختلال در نظم و امنیت شهر نموده است.

کشف چند قبضه کلت کمری و تعداد زیادی فشنگ جنگی و اسناد ارتباط با گروههای خارج کشور جهت سند سازی علیه نظام اسلامی ایران

از منزل و محل کار آقای محمد علی دادخواه سخنگوی کانون غیرقانونی مدافعان حقوق بشر که نقش مهمی در راه اندازی آشوبها داشته است، تعداد دو قبضه کلت کمری همراه با مقادیری فشنگ، مواد مخدر، اسناد ارتباط با گروههای خارج از کشور جهت ایجاد اغتشاش و مدارک واطلاعیهای دال بر تحریک مردم به آشوب و بلوا کشف گردید.

حادثه کوی دانشگاه؛ بستری برای حضور نیروهای خودسر در اغتشاشات

رخدادهای تلخی که در دوران تبلیغات انتخاباتی و پس از آن اتفاق افتاد، بسترهای لازم را برای مانور نیروهای آشوبگر و خودسر در مراکز حساس فراهم آورد.

حادثه تلخ کوی دانشگاه نمونه بارزی از حضور و مانور این عناصر خودسر و فتنه انگیز است. در پروژههایی که ستادهای آشوب و بحران سازی تعریف کرده بودند، دانشگاهها و خوابگاههای دانشجویی از جایگاه ویژه ای برخوردار هستند. طراحان و بازیگردانان پروژه براندازی نرم با درک پیوندی عاطفی که میان افشار مردم و طیف دانشگاهی وجود دارد، زمینه خیابانی کردن و رادیکالیزه نمودن اعتراضات را فراهم آوردند.

بدون تردید حادثه دانشگاه باید از منظر توطئه حساب شده ای که در آن گروهی بازی خورده و غافل ایفای نقش کردند، بررسی شود. در این حادثه گروههایی از فدائیان خلق، دفتر تحکیم وحدت، پان ترکیست ها، برخی اعضای انجمن اسلامی دانشگاههای تهران و نیروهای خودسر حضور داشتند.

بررسی آماری افراد ضرب و شتم شده و زخمی های بستری در بیمارستانها نشان می دهد که طراحان و مجریان پروژه فتنه گری و آشوب برای رسیدن به اهداف شوم خود حاضرند فرزندان پاک این مرز و بوم را نیز قربانی نمایند.

اقدام علیه امنیت کشور از طریق آشوب اجتماعی و تبانی به قصد برهم زدن امنیت عمومی

- آقای امید جعفرآبادی فرزند عباس که دارای پیشینه محکومیت کیفری است، ضمن حضور در تجمعات غیرقانونی، اقدام به درگیری با نیروهای انتظامی و امنیتی نموده است.

- همچنین آقای محسن جعفری فرزند محمد حسن که دارای دو فقره پیشینه محکومیت کیفری در رابطه با مواد مخدر است، از طریق آشوب اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت عمومی، علیه امنیت کشور اقدام نموده است. نامبرده با حمله و پرتاب سنگ به مأمورین و سردادن شعار علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، در درگیریها و تحریک اموال عمومی و خصوصی مشارکت فعال داشته است.

- آقای محمدرضا اسماعیل زاده فرزند قاسم که اعتیاد به مواد مخدر کراک دارد، با حضور در تجمعات غیرقانونی و اغتشاشات خیابانی، اقدام علیه امنیت کشور کرده است.

- آقای حامد مکاری انور فرزند حمید که اعتیاد به مواد مخدر دارد، از دیگر متهمان اقدام علیه امنیت کشور است که در تجمعات غیرقانونی و اغتشاشات خیابانی مشارکت داشته است.

- همچنین آقایان فرشید قدرتی فرزند علی اکبر، سعید پورعظیمی فرزند حسن، رحیم همتی فرزند جمشید، احسان هنرکار فرزند رضا، فرشید کریمی فرزند علی، میثم صابر فرزند محمود، علیرضا قریبی فرزند محمد اسماعیل، اکبر قدرتی فرزند برانعلی، محمد حسین کوشکباغی فرزند علی اکبر، آدرین کشیشیان فرزند رستم، عباس گلزارنیا فرزند قاسم، سهند صابرنژاد فرزند محمد حسین، حسین افشاری فرزند حسن، سید هادی شاه ولایتی فرزند احمد، محمد قنبری ورنکشی فرزند نقدعلی، مهران احمدیان فرزند صادق، سعید قربانی فرزند غلامرضا، احمد شریفیان فرزند عبدالله، اصغر مشیری فرزند علی حسین، فرزین هادی پور آب کنار فرزند فرامرز، ناصر عبدالحسین فرزند غلامرضا، حمید صلاحی فرزند رضا، محسن شکری فرزند پنجهعلی، علیرضا قادری فرزند فضل‌الله، رامین ساتکین فرزند عادل، امیررجبی فرزند شعبانعلی، افشین خسروی پور فرزند حسین، سیدعلی سیدزاده فرزند جلال، محمد نیکزاد فرزند احمد و خانم مانده سادات ذکریایی فرزند ابوالفضل که همگی دارای پیشینه کیفری هستند، با شرکت در تجمعات غیرقانونی، اخلال در نظم عمومی، فعالیت تبلیغی علیه نظام، ایجاد شبهه جعل و تقلب در نتیجه انتخابات و سلب اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت و مراجع رسمی کشور، اقدام علیه امنیت کشور از طریق اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت عمومی نموده‌اند.

حضور در محلهای اغتشاش و پخش سی دی و اعلامیه‌های تحریک آمیز

- آقای ایمان سهراب پور فرزند کاووس، با حضور در محلهای اغتشاش، اقدام به پخش سی دی و اعلامیه‌های تحریک آمیز بین مردم کرده است.

- متهم دیگر آقای سعید سپانلو فرزند ابوالفضل که دارای سابقه کیفری است با حضور در تجمعات غیرقانونی، اقدام به پخش تصاویر تحریک آمیز کرده است.

همچنین آقای حمیدرضا بختیاری فرزند علی، با حضور در تجمعات غیرقانونی و حمل پلاکارد، اقدام به تحریک دیگران جهت حضور در تجمعات غیرقانونی نموده است.

- متهم دیگر آقای عباس یوسف شاهی فرزند عظیم الله با حمل و توزیع اعلامیه‌های غیرقانونی، اقدام به تحریک آشوبگران نموده است.

- آقای مهرداد اصلانی فرزند غلامرضا، با ارسال پیام به شبکه تلویزیونی بی بی سی در تحریک به آشوب ایفای نقش نموده است. از دیگر اتهامات وی شرکت در اغتشاشات است.

- آقای مرتضی بی طرف فرزند رحیم با شرکت در تجمعات غیرقانونی و فیلمبرداری از اغتشاشات، با افرادی که دارای تابعیت خارجی هستند ارتباط برقرار کرده است.

ایراد ضرب و شتم مأمورین بسیج در حین انجام وظیفه

- آقای مهرداد ورشوپی فرزند ناصر، دارای سابقه کیفری اقدام به ایراد ضرب و جرح مأمورین بسیج در خیابان آزادی تهران کرده که تصاویر متهم در حین ارتکاب جرم در رسانه‌های عمومی نمایش داده شده است.

- همچنین آقای فرامرز عبدالله نژاد فرزند رحیم، به عنوان یکی از عوامل اغتشاش در حمله و ترمز نسبت به مأمورین بسیج در خیابان آزادی مشارکت داشته است. عکس متهم حین ارتکاب جرم توسط رسانه‌های خبری منتشر شده است.

اقدام علیه امنیت کشور از طریق حمل و نگهداری نارنجک جنگی

خانم زیبا عسکری فرزند یدالله، در تجمع غیرقانونی خیابان آزادی نارنجک جنگی همراه داشته است. همچنین محسن عباسی منتظری فرزند مظفر، به همراه خانم زیبا عسکری ضمن حضور در تجمعات و اغتشاشات، در حمل و نگهداری نارنجک جنگی با متهمه مشارکت داشته است.

مشارکت در تخریب و تحریک اموال دولتی، عمومی و خصوصی

- آقای کامران جهانبانی فرزند مهدیقلی، به عنوان یکی از عوامل اغتشاش به ایجاد تحریک عمدی در سطح خیابان‌ها و معابر تهران اعتراف می‌کند.

- آقای مهدی مقیمی فرزند علی که دارای دو فقره سابقه محکومیت کیفری است، به عنوان یکی از عوامل اغتشاش در آتش زدن اموال عمومی و خصوصی در خیابان نواب حضور داشته است. تصاویر متهم در حین آتش زدن اموال عمومی و

خصوصی در رسانه‌ها منتشر شده است.

- آقای علی صفایی فرزند یدالله که ساکن آمریکا بوده، در تجمعات و اغتشاشات از جمله تحریک اتوبوس شهرداری در خیابان لارستان حضور داشته و همچنین از منزل متهم مواد روان گردان، شیشه و مشروبات الکلی کشف شده است.

اخلال در نظم عمومی از طریق بلوا و آشوب

- آقای رامتین توفیق قزوینی فرزند منصور که بهایی است، با حضور در تجمعات غیرقانونی موجبات اخلال در نظم عمومی از طریق بلوا و آشوب و حرکات غیرمتعارف و ایجاد ترس و وحشت در جامعه را فراهم آورده است.

- همچنین آقای فرید احمدی فرزند جلال که دارای پیشینه محکومیت کیفری سابقه شرکت در جریان 18 تیر سال 1378 را داراست، با شرکت در تجمعات غیرقانونی، موجبات اخلال در نظم عمومی را فراهم آورده است.

- آقای اکبر اجدادی فرزند علی که در هنگام دستگیری با خود مواد روان گردان از نوع شیشه داشته با حضور در اغتشاشات به سمت مأمورین انتظامی اقدام به پرتاب سنگ نموده است.

- همچنین آقای حسام ترمسی فرزند حمید، با حضور در تجمعات غیرقانونی، به سنگ پرانی علیه مأمورین نیروی انتظامی اقدام کرده است.

- فرناش فرهادپور فرزند عبدالحسین با حضور در تجمعات غیرقانونی اقدام به پرتاب سنگ به سمت مأمورین انتظامی نموده است.

- مسعود شمیرانی از دیگر متهمان است که با حضور در اغتشاشات، اقدام به پرتاب سنگ به سمت نیروهای انتظامی نموده است.

حضور در تجمعات غیرقانونی و دعوت به اعتصاب و تحصن

آقای علی محدث فرزند احمد با حضور در تجمعات غیرقانونی از اساتید دانشگاه تهران و امیرکبیر برای تحصن و حضور در تجمعات غیرقانونی دعوت به عمل آورده است. نامبرده در تحصن دانشگاه تهران و امیرکبیر حضور داشته است.

فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی و ارسال عکس و اخبار مربوط به اغتشاشات به خارج کشور جهت تدارک خوراک تبلیغاتی رسانه‌های معاند

- خانم کیانا سعیدفر فرزند ابراهیم، به عنوان یکی از عوامل اغتشاش در تجمعات غیرقانونی شرکت داشته و به تهیه خبر جهت انتقال به شبکه‌های ماهواره‌ای اقدام نموده است.

- محمد درمنکی فراهانی فرزند عباس متهم به توهین به مسئولان نظام، تشویش اذهان عمومی، تشویش و تحریک سایرین در تجمعات، هدایت اغتشاشگران در قالب طراحی شعار و ارتباط با شبکه‌ها و رسانه‌های بیگانه از طریق ارسال عکس و خبر می‌باشد.

نامبرده با افرادی در کشور آمریکا، کانادا، ایتالیا، آلمان و ترکیه مرتبط بوده و اطلاعات مربوط به اغتشاشات را برای آنها ارسال می‌کرده است.

- آقای مهدی مقیمی فرزند محمد حسین با حضور در تجمعات غیرقانونی اقدام به فیلمبرداری از صحنه درگیری‌ها نموده است.

- خانم سارا احمدی ابهری فرزند محمد جواد که کارشناس دفتر سازمان ملل متحد در تهران است، ضمن حمل اعلامیه‌های گروهک‌های ضد انقلاب و مشارکت در تجمعات غیرقانونی، از صحنه اغتشاشات و درگیری‌ها عکسبرداری کرده است.

- متهم دیگر آقای شاهر صبا فرزند محسن که دارای پیشینه محکومیت کیفری است با حضور در اغتشاشات اقدام به فیلمبرداری از صحنه درگیری‌ها کرده است.

- آقای محمد سلیمانپور فرزند نصرت الله با حضور در تجمعات غیرقانونی و دعوت دیگران به شرکت در راهپیمایی‌های غیرقانونی، اقدام به تهیه عکس و تصویر از تجمعات برای اهداف خاص نموده است.

ریاست محترم دادگاه انقلاب اسلامی تهران

پس از بیان شرح توطئه و فتنه اخیر که شامل طراحان، محرکین، برنامه ریزان، مرتبطین گروهک‌های معاند و ضد انقلاب و نیز مداخله و حمایت و هدایت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و اقدامات مخرب افراد فرصت طلب و آشوبگر بود اجازه می‌خواهم در فرصتی که اعلام می‌فرمایید کیفرخواست انفرادی هر یک از متهمین را با ذکر نوع اتهامات و دلایل و مستندات جهت صدور

حکم شایسته به استناد مواد 500، 610، 618، 677، 687 و 689 قانون مجازات اسلامی بیان نمایم.

والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته
معاون دادستان عمومی و انقلاب تهران

نظرات بینندگان:

آدرس ایمیل:

لطفاً فارسی تایپ کنید. نوشتن آدرس ایمیل الزامی نیست
میتوانید نام و مکان سکونت خود را در انتهای نظراتان بنویسید، تا همراه با آن چاپ شود

ارسال

